



جدال شوره (فیلمساز) ایوب القاسم طالبی (فیلمساز) محمد کاسبی (بازیگر) رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) شهیار جبرانی (فیلمساز)

رنگ مجازی- چنگ تر کیبی

یک جنگ پیچیده سایبری و اقتصادی

عزیزالله محمدی (امتدادجو)

بروزه بزرگ ساقط کردن نظام جمهوری اسلامی ایران از سوی ابرقدرتی به نام آمریکا نه تنها امروز، بلکه از بدو انقلاب و حتی در جریان مبارزات مردمی در سال ۱۳۵۷ شکل گرفت و هر لحظه که به پیش آمده، مثل گلوله برقی که در جریان حرکت هر لحظه بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود؛ بزرگ‌تر شد و امروز در اوج و در نهایت خود به نقطه‌ای رسید که بعد از تمام اعمال فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها، در ادبیات سیاسی، تاریخی، نظامی، رسانه‌ای و اجتماعی جهان با عنوانی رو به رو شدیم به نام «جنگ ۱۲روزه».

آن چیزی که در طی این جنگ مشخص، معین و آشکار گردید؛ این بود که تجربه تمام جنگ‌های بشریت و علوم شناخته و ناشناخته تمام جهان غرب برای محقق شدن هدفی که ساقط ساختن نظام جمهوری اسلامی و به زانو آوردن مردم ایران بود به پای کار آمد و در شدیدترین حالت ممکن نظام سلطه از تمام ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود خویش و کشورهای همسو با آن کمک گرفته شد تا این هدف محقق گردد.

با توجه به شواهد و قرائن و مستنداتنی که قابل تحلیل هستند؛ برخی کشورهای منطقه نیز دانسته یا ندانسته در این جنگ علیه ایران سهمی داشتند که این سهم از در اختیار گذاشتن آسمان کشورشان تا مشارکت در پادفند به نفع رژیم صهیونیستی و جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها تقسیم شده بود و آنها هم که به ملاحظاتی برای پنهان کاری نداشتند با جریان رسانه‌ای بر ساخته جهان سلطه همراه شدند.

مجموع فعل و انفعالات صورت گرفته در طی این جنگ از همان لحظه‌های آغازین نشان‌دهنده این بود که این جنگ بر مبنای یک برنامه‌ریزی طولانی مدت، همراه با دقیق‌ترین طراحی‌های عملیاتی چند جانبه و زمان سنجی‌های خاص بوده که نمای کلی این عملیات علیه ایران را تبدیل به پیچیده‌ترین جنگ تاریخ کرده و قطعا در بستر زمان، ابعاد این پیچیدگی بیشتر فاش خواهد شد.

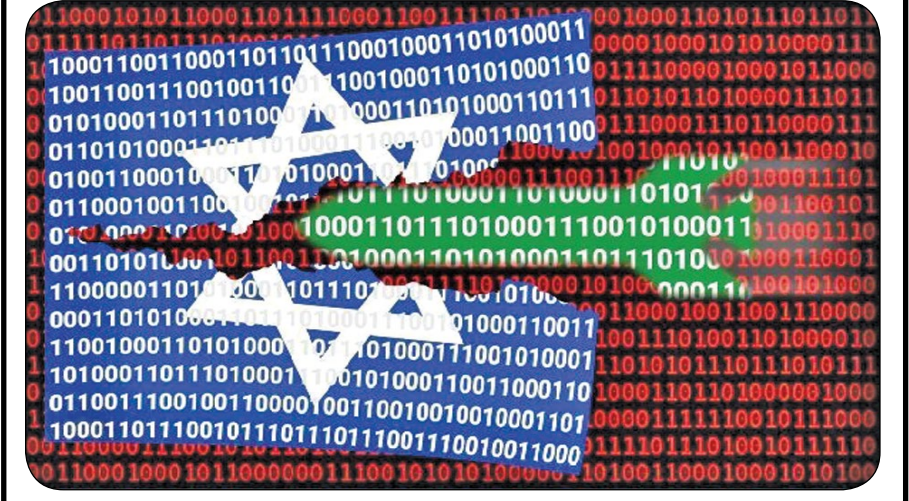
بکارگیری توان هوایی، ریز برندها، پهپادها، فضای رسانه‌ای، تحریک اجتماعی، حمله به زیر ساخت‌ها و منابع انرژی، ترور فرماندهان و دانشمندان، استفاده از هوش مصنوعی و فضای سایبر، اجیر ساختن مزدوران و عوامل بیرونی و... تنها گوشه‌ای از اقدامات رژیم صهیونیستی بود که با چارچ سبز و حمایت همه‌جانبه اطلاعاتی و عملیاتی و تجهیزاتی آمریکا و ناتو در این جنگ دیده شد و وجه نامداین و عینی از جنگ ترکیبی را که به شکل چند وجهی و نامتقارن بود به نمایش در آورد.

همان‌طور که بارها در این سستون اشاره داشتیم پیش از جنگ ۱۲روزه تلاش ما در این ستون پراختن به مباحث جنگ ترکیبی بود که اصلی‌ترین وجه آن جنگ ادراکی و شناختنی هست و این موضوع با استفاده از فضای رسانه‌ای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های ماهواره‌ای دنبال می‌شود.

در طی یادداشت‌های متوالی ضمن بازخوانی جنگ ترکیبی و عملیات روانی و بیان مصادیق جریان سازی شده در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای معاند، کوشیدیم تا ارتقای آگاهی عمومی از موضوعات ادراکی و رسانه‌ای به حفظ امنیت اجتماعی و روانی مردم منجر شود.

جنگ ۱۲روزه با ظرفیت‌های شکل‌گیری خود تقریبا تمام مصادیق لازم درخصوص جنگ «ترکیبی» و «عملیات روانی و ادراکی و شناختنی» را به یکباره و در یک قاب نمایشی در مقابل دیدگانمان قرار داد و از حالت تئوری و انتزاعی به عینیت و مرحله لمس فیزیکی رسید که امکان پیش‌بینی آن حتی برای بسیاری از کارشناسان هم فراهم نبود. از پیش از یکسال پیش موضوعاتی از این دست را از طریق این ستون بارها مطرح کردیم و بعد از جنگ ۱۲روزه نیز مشی ما به گونه‌ای شد که این مختصات و زوایا و علل چگونگی جنگ ترکیبی را از منظر شناخت دقیق ماهیتی و ساختاری با تکیه بر نظریه‌های موجود شناخته شده در جهان و بخصوص جهان غرب بررسی و واکاوی کردیم.

بر همین اساس پیش‌بینی می‌شود که با توجه به دیالکتیک موجود در جنگ و تقلیل ایران با رژیم صهیونیستی حداقل در مدت زمان کوتاه امکان شکل گیری مجدد جنگ نظامی فعلا وجود ندارد و فضای جنگ به سمت فضای رسانه‌ای و عملیات‌های روانی و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی به پیش خواهد رفت و تقلیل سایبری و فضای مجازی بیشترین نقش را در این مرحله از راپروازی به عهده خواهند داشت که با توجه به نیاز جامعه و رشد اقتصادی و تأمین معیشت، فضای سایبری و مجازی نیز حول این محور تمرکز خواهند داشت و عرصه تعیین‌کننده پیروزی را بیش از سایر عرصه‌ها در این عرصه خواهیم شناخت.



سایبر و تعریف جدید از پیروزی

نقش فضای سایبر در تعریف جدید پیروزی و تأثیر جنگ اقتصادی بر شاخص‌های موفقیت را در ابعاد مختلف و با مؤلفه‌های چون (برتری اطلاعاتی، اختلال در ریز ساخت، حفاظت از دارایی‌های دیجیتال و جنگ روانی سایبری) می‌توانیم بشناسیم که هر کدام از این مؤلفه‌ها از شاخص‌های اندازه‌گیری مختص خود تبعیت دارند.

مؤلفه «برتری اطلاعاتی» به شاخص اندازه گیری در نفوذ در شبکه‌های دشمن مثل دسترسی به اطلاعات محرمانه دشمن شناخته می‌شود مؤلفه قدرت «اختلال در زیرساخت» به شاخص اندازه گیری مدت زمان غیرفعال‌سازی سامانه‌های حیاتی مثل قطعی سیستم‌های بانکی دشمن قابل شناسایی است.

مؤلفه «حفاظت از دارایی‌های دیجیتال» به شاخص اندازه گیری تعداد حملات دفع شده چون محافظت از زیرساخت‌های حیاتی مثل کار تعریف است و مؤلفه «جنگ روانی سایبری» نیز با میزان تأثیرگذاری بر افکار عمومی که منجر به تغییر نگرش مردم دشمن نسبت به حکومت است تعریف می‌یابد.

در این مرحله با شناخت شاخص‌های موفقیت در جنگ اقتصادی «جنگ مدرن» می‌توانیم تعامل فضای سایبر و اقتصاد در جنگ مدرن را به خوبی ارزیابی کنیم که در دو محور شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی و شاخص‌های فشار اقتصادی به دشمن، قابل ارزیابی هستند.

شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی، در نرخ خودکفایی در اقتصاد استراتژیک (درصد تأمین داخلی کالاهای حیاتی عمق) و با ذخایر استراتژیک به حسب مدت زمان تحولات اقتصادی و معادلات سیاسی و با توجه به عمق تخریب‌ها و سرمایه‌گذاری‌های تجاری و استحکام سیستم مالی مثل مقاومت در برابر تحریم‌های جهانی مورد توجه کارشناسان است.

شاخص‌های فشار اقتصادی به دشمن نیز با هزینه‌های تحمیلی یعنی میزان افزایش هزینه‌های دفاعی دشمن و اختلال در زنجیره تأمین یا کاهش تولید ناخالص داخلی دشمن و همچنین فرار سرمایه که شامل خروج سرمایه‌گذاری‌های خارجی از خاک دشمن هست و افزایش قدرت خرید مردم دشمن، مستحده می‌شود معرفی می‌شوند.

ارزیابی موفقیت اقتصادی در جنگ در نسبت با بعد اقتصادی دارای شاخص‌های موفقیت با وزن نسبی است که تاب‌آوری داخلی با شاخص‌های موفقیت از جمله ثبات قیمت‌ها، تأمین کالاهای اساسی نسبت‌سنجی می‌شود.

فشار بر دشمن نیز با شاخص موفقیت کاهش ارزش پول، افزایش بازگاری در دشمن سنجیده می‌شود و جایگزینی تجاری نیز با ایجاد روابط اقتصادی جدید در معرض سنجش شاخص موفقیت قرار می‌گیرد تا در مرحله آخر، توسعه فناوری با خودکفایی در فناوری‌های حساس به مرحله نسبت‌سنجی برسد.

تعامل فضای سایبر و اقتصاد در جنگ مدرن را با تأثیر عملیات سایبری بر اقتصاد دشمن می‌توانیم بشناسیم که حمله به سیستم‌های بانکی و ایجاد بی‌ثباتی مالی و همچنین در هدف‌گیری بورس و بازار سرمایه با کاهش ارزش شرکت‌ها شناخته می‌شود و همین‌طور با اختلال در زنجیره تأمین که توقف تولید صنایع کلیدی را به همراه دارد و با نفوذ به سیستم‌های انرژی که ایجاد خاموشی و اختلال را فراهم می‌سازد.

با توجه به شاخص‌ها و نسبت‌هایی که در رابطه حوزه سایبر با حوزه اقتصاد مطرح شد تحلیل موردی جنگ ۱۲روزه بازگوکننده پیروزی سایبری ایران بر رژیم صهیونیستی است که این پیروزی هم در عرصه سایبر و هم در عرصه اقتصاد قابل بازخوانی و توجه است.

پیروزی سایبری ایران با «افزایش توان دفاع سایبری» یعنی مقاومت در برابر حملات سایبری دشمن و «حفظ زیرساخت‌های حیاتی» یعنی تداوم ارائه خدمات ضروری و «افشای اطلاعات حساس» یعنی انتشار اسناد محرمانه قابل تحلیل است. پیروزی اقتصادی ایران نیز با «تداوم صادرات نفت» یعنی دور زدن تحریم‌ها و جلوگیری از آشفتنگی اقتصاد و «افزایش هزینه برای دشمن» یعنی تحمیل میلیاردها دلار خسارت به رژیم صهیونیستی می‌تواند مورد تحلیل قرار بگیرد

راهبردهای کسب پیروزی

راهبردهای کسب پیروزی در عرصه سایبری و اقتصادی برای پیروزی در این جنگ مدرن و ترکیبی به طور مجزا و ترکیبی دنبال می‌شد که راهبردهای سایبری ضمن توجه به توسعه نیروی انسانی متخصص از جمله آموزش کربها و سرمایه‌گذاری در فناوری با توسعه سامانه‌های دفاع سایبری پیشرفته توجه داشتند و علاوه بر آنها به همکاری بین‌المللی با ایجاد پیمان‌های امنیت سایبری و رصد مستمر تهدیدات با ایجاد مرکز پایش تهدیدات سایبری نیز تمرکز دارند.

راهبردهای اقتصادی که از راهبردهای کسب پیروزی در جنگ‌های مدرن است با تنوع‌بخشی به شرکای تجاری و کاهش وابستگی به غرب شناخته می‌شود و ضمن آن توسعه سیستم‌های پرداخت جایگزین با دور زدن سیستم سوئیفت تقویت می‌شود و همچنین تقویت تولید داخلی با خودکفایی در کالاهای استراتژیک و مدیریت ذخایر ارزی با ایجاد صندوق ثبات مالی در این راهبردها مورد توجه است.

چشم‌انداز آینده جنگ‌های سایبری-اقتصادی و روندهای آنی آن، بازگوکننده افزایش اهمیت جنگ سایبری و تبدیل شدن آن به عرصه اصلی درگیری را نشان می‌دهد که در طی این روند، ادغام جنگ اقتصادی و سایبری ضمن حملات همزمان به سیستم‌های مالی معمولا پی گرفته می‌شود.

همچنین در روندهای آتی، ظهور فناوری‌های جدید و تأثیر هوش مصنوعی و بلاکچین بر جنگ اقتصادی نیز می‌تواند مطرح شود که موجدیات شکل‌گیری قواعد جدید را با تدوین حقوق بین‌الملل حاکم بر فضای سایبر فراهم می‌کند.

در نتیجه آنچه که به صورت تحلیل ارائه شد می‌توان گفت: پیروزی در جنگ مدرن نیازمند ۱- برتری در فضای سایبر با توان دفاع سایبری قوی، قابلیت تهاجم سایبری، برتری اطلاعاتی، برتری اقتصادی و مستقر ۲- تاب‌آوری اقتصادی با مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی، توانایی تحمیل هزینه به دشمن، حفظ ثبات اقتصادی داخلی.

۳- یکپارچگی راهبردی با هماهنگی بین عرصه‌های مختلف جنگ، بهره‌گیری از نقاط قوت هر عرصه، ایجاد اثرات سینرژیک است که می‌توانند تحول‌ساز در پیروزی باشند و این تحول در مفهوم پیروزی، مستلزم بازنگری اساسی در دکتترین‌های نظامی، اقتصادی و امنیتی قطعا می‌تواند باشد.

جشنواره فیلم مستند سینماحقیقت

به ایستگاه نوزدهم رسید و گزیده‌ای از فیلم‌های مستند یکسال سینمای ایران در آن به‌نمایش درآمد. سینماحقیقت، مهم‌ترین رویداد مستند در کشورمان است و می‌توان آن را وسترین و نمودار فعالیت مستندسازان به مراکز و مؤسسات تولید مستند دانست.
به همین بهانه در گفت و گو با سه نفر از فعالان رسانه که در نوزدهمین جشنواره سینماحقیقت حضور داشتند، به ارزیابی این جشنواره و همچنین سیاست‌های مدیریتی و تولیدی مستندسازی در کشورمان پرداختیم.

جاشی مراکز و ارکان‌ها

«محمدرضا شاه حسینی» منتقد سینما و سردبیر خبرگزاری سینماپرس در ارزیابی نوزدهمین جشنواره سینماحقیقت گفت: متأسفانه کیفیت آثار نسبت به سال‌های گذشته افت محسوسی داشت. نکته تعجب‌برانگیز این است که این افت کیفی در عصر پیشرفت‌های تکنولوژیک و ظهور هوش مصنوعی اتفاق افتاده که محدودیت‌های تولید برای مستندساز عملاً از بین رفته است. ضمن اینکه در آثار مستند به نمایش درآمده در سینماحقیقت نوزدهم با فقر پژوهش و ایده‌پردازی مواجه بودیم. علاوه بر این، یک خطر جدی فضای مستند ما را تهدید می‌کند و آن خروج برخی کارها از اصالت مستندسازی است. تلاش آشکاری اتفاق افتاده در جهت اینکه مستندها به سمت فضاسازی‌های داستانی و لوکیشن‌سازی‌های تصنعی بروند و اسمش را هم گذاشته‌اند مستند سینمایی، اما درواقع این آثار، با ذات سینمایی مستند در تضاد هستند.

وی به صرف هزینه‌های سنگین در تولید برخی از آثار بدون ثمره کافی هم اشاره کرد و توضیح داد: جابه‌جایی ارقام در بخش بودجه و اعتبار برخی فیلم‌های مستند بسیار بحث‌برانگیز است. وقتی خود مسئولان عدم فروش و کمبود مخاطب آثار مستند می‌نالند، این پرسش مطرح می‌شود که برخی از این هزینه‌های گزاف، به چه امیدی انجام می‌شود؟ این مسئله درباره بعضی از فیلم‌های کوتاه هم مطرح بود. مثلا شنیدیم که برای یکی از فیلم‌های کوتاه چند میلیارد تومان هزینه شده بود که این رقم با توجه به حاصل کار، سؤال برانگیز بود. ضمن اینکه با توجه به حجم بالای آثار مستند تولید شده - امسال بیش از ۴۰۰ فیلم به جشنواره ارسال شد - باید گفت که علی‌رغم هزینه بالایی که برای تولید این آثار شده، اما آورده و خروجی چندانی ندارند. به نظر به بجای ۴۰۰ فیلم مستند با حداقل مخاطب و تأثیرگذاری، بهتر است ۴ مستند تولید شود که عرصه رسانه را تسخیر کنند.

وی ادامه داد: باید از اعضای شوراهای نظارتی هم درباره چرایی و چگونگی صدور مجوز برای برخی آثار مستند هم سؤال کرد. چون متأسفانه شاهد آثاری هستیم که رسماً به تحریف تاریخ می‌پردازند و سکولاریسم را ترویج می‌کنند. بر این اساس در جشنواره سینماحقیقت امسال، مستندی درباره «بازرگان» ساخته شده که نقش او را چنان بالا می‌برد که گویی تمام اتفاقات مربوط به انقلاب کار او بوده؛ این مستند در جریان روایت تاریخ انقلاب یک بار هم از حضرت امام(ره) یاد نمی‌کند و حتی وقایع سال ۴۲ را به بازرگان نسبت داده است! حتی آثاری که توسط نهادهای درباره جنگ ۱۲روزه ساخته شده‌اند هم دچار این مشکل هستند. مثلا مستندی ساخته شده که اگر



tasvirroz@kayhan.ir

صفحه ۸

شنبه ۶ دی ۱۴۰۴

۶ رجب ۱۴۴۷ - شماره ۲۴۰۴



نادر طالب‌زاده (کارگردان) شهید اوبنی (فیلمساز) مجید مجیدی (فیلمساز) هادی محمدیان (بویانما) فرج‌الله شلشور (فیلمساز) ابراهیم آذانی‌کیا (فیلمساز) مهدی لقی (بازیگر) پروانه مصحومی (بازیگر) مرتضی شعبانی (استنداز)



نوزدهمین جشنواره سینماحقیقت از نگاه اهالی رسانه

مستندهای میلیاردی اما فقیر!



وی افزود: یکی از نقاط ضعف مشهود در این زمینه، جدا کردن بخش «ایران» (که به

مستندهای جنگ ۱۲روزه اختصاص داشت) از بخش مسابقه ملی بود. در حالی که ما به نمایش وحدت و انسجام ملی پیرامون وقایع مهمی همچون جنگ ۱۲روزه نیاز داریم، محدود کردن این آثار به یک بخش جانبی و کاهش سهم آن‌ها در بخش مسابقه ملی، از شبکه‌ها و جسات مستندسازان ما در مواجهه با جنگ ۱۲روزه داشت که به قول «محسن اسلام زاده» بدون مجوزهای رسمی و به صورت خودجوش به ترسیم و بازنمایی این جنگ پرداختند تا میدان را خالی نگذارند. این بخش می‌توانست جشنواره امسال را پرشورتر کند. اما رویکرد جشنواره با نوعی تأخیر و محافظه‌کاری همراه بود که مانع از بلور کامل این حماسه شد.

این فعال رسانه‌ای ادامه داد: در بخش بین‌الملل، همچنان با مشکلی ریشه‌دار مواجه هستیم؛ عدم تسلط بر زبان فراخوان و ارائه جهانی. در دنیایی که بخش بزرگی از آن با مواضع ما همسو شده است، جشنواره برای جذب آثار جهانی در این فرصت طلایی به شکلی ارائه دهیم که مستندسازان تراز اول جهان، جشنواره ما را بستر برای روایت‌های همسو و عدالت‌طلبانه خود ببینند.

میرجعفری گفت: نقطه روشن جشنواره سینماحقیقت امسال، در بخش مستندهای اجتماعی بود. فیلم برگزیده «برای دخترم»، نمونه موفق‌ی از تغییر ریل در سینمای مستند بوده، اثری که برخلاف کلیشه‌های «سینما فلاکت»، از سیاه‌نمایی فاصله گرفته و بارقه‌هایی از امید را به نمایش گذاشت. با این حال، همچنان رد خامی بر پیکره آثار مشهود است و مستندسازان ما برای رسیدن به بلوغ هنری، نیازمند تجربه بیشتر و تماشای آثار روز جهان هستند. البته باید یادآوری کرد که چمار مراجعه به آثار جشنواره ۲۳ درصد افزایش داشت.

حال نیستند و در آینده هم تأثیر خواهند داشت.

شاه‌حسینی در پاسخ به این پرسش که نظرش با تغییر مدیریت مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و بویانمایی چیست هم گفت: تغییر مدیریت این مرکز اتفاق خاصی را رقم نمی‌زند، ضمن اینکه حمیدی‌مقدم در سه دولت با سه رویکرد متفاوت مسئولیت این مرکز را عهده‌دار بوده و چه بسا روی کار آوردن یک مدیر جدید، این بهانه را بدهد که چون تازه‌کار است، نتوان انتظار خیلی زیادی از او داشت و راه مطالبه‌گری بسته شود؛ اما با توجه به سابقه طولانی حمیدی‌مقدم، حداقل می‌توان از او مطالبه کرد. اگر هم قرار است تغییری صورت بگیرد باید فردی منصوب شود که واقعا بتواند کار را مدیریت کند. به نظرم اصلاح نهادهای مستتب به انقلاب اسلامی اولویت دارد. تا زمانی که مراکز و نهادهای انقلابی خودشان ساخته شده است، فضای تولید می‌کنند که در نهایت رویکردی داشت.

در این جشنواره از فردی تقدیر کردند که در آثارش نشان داده که نه فقط با نظام اسلامی بلکه اساسا با خود اسلام مشکل داشته است؛ این یعنی ریل‌گذاری جشنواره سینماحقیقت اشتباه است. عمده تقصیر و مقصر اصلی هم اول مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی است و دوم هم مراکز و ارگان‌هایی مثل اوج، حوزه هنری و... است که گاهی آثاری تولید می‌کنند که برخلاف رسالت آنهاست. هر چند که باید از مستند «عباسی سوخته» از محصولات سازمان اوج درباره شهید بهشتی تقدیر کنم که انصافا کار خودی است.

نوشته کتاب «سینمای استراتژیک» یادآور شد: توجه داشته باشید که این نوع فیلم‌ها ۲۰ سال دیگر اثر تخریبی‌شان مشخص می‌شود. همچنان‌که فیلم «زیر درختان زیتون» بیش از ۲۰ سال قبل ساخته شده بود اما امسال به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره جهانی فیلم فجر به نمایش درآمد؛ همان فیلمی که به خاطر جاستر به مقدسات، اعتراض سرخس آشوبی امسال «ایران» دومین عنوان پرچست‌وجوی جهانیان در گوگل است. با این حال، جشنواره سینماحقیقت نتوانست از این موج رسانه‌ای کم‌نظیر برای ارتقای جایگاه خود بهره ببرد!

نگاهی به فیلم «سینما شهر قصه»

تلخ اما شیرین

سجاد نجاتی

تاریخ معاصر را روایت کرده و در دل آن تاریخ سینمای ایران را هم مرور نموده، موفقیت اصلی و انتخاب بکر و درست فیلم است که نتیجه داده و هم مخاطب را همراه می‌کند، هم داستان را جذاب جلو می‌برد، هم تاریخ ایران و تاریخ سینما را در هم می‌آمیزد و هم شیرینی و تلخی این طنز غم‌انگیز و افتخارآمیز را به تصویر می‌کشد. «سینما شهر قصه» در عین حال اثری مفرح در ژانر کمدی و البته با درونمایه‌ای عاشقانه است؛ در یک داستان عاشقانه، علاقه و عشق آدم‌ها به همدیگر، نه سینما و به سرزمین‌شان را با هم می‌بینیم.

استفاده بهینه و درخور از موتیف‌ها و مؤلفه‌ها و نمادهای نوستالژیک سینمای ایران چه پیش و چه پس از انقلاب، بازی‌های نسبتاً خوب، ریتم درست و میزانسنی که بارنده از همه اجزا و عناصر و مختصات فیلم است، سینما شهر قصه را مبدل به اثری قابل تحمل و در برخی مواقع جذاب و شیرین کرده است.

یکی از نکات مهم و شاید مهم‌ترین نکته مضمونی و مفهومی فیلم که می‌تواند آبرویی برای روایت داستانی و معنای منتشرش و مستتر در آن باشد، همان نزدیک شدن فیلم به مفهوم سینمای ملی و ملیت است. و نکته جالب و قابل اعتنا اینجاست که این نزدیکی، نه به شعاری و گل درشت و تبلیغاتی می‌یابد و نه به لایه‌های روشنفکری نقبی می‌زند و نه در هیچ محور و مداری، گم می‌شود. بلکه همان خط سیر اصلی و مبتنایی

شیرینی و تلخی ملفوف به هم این موقعیت را با جذابیت سینمایی و قصه‌گویی پیوند می‌دهد همان توفیقی است که فیلم سینما شهر قصه توانسته بدان دست یابد و در این مسیر میزانشن نقش مهمی دارد؛ میزانشنی که صرفا تکنیکی و فنی هم نیست و بار معنایی و عاطفی و وجه تاریخی و روایی سترگ و سنگینی را بر دوش می‌کشد. بار سنگین و البته مهم و استراتژیک امر ملی و ملیت و در هم‌آمیزی و همراهی و یگانگی در مسیر ایران و مسیر حفظ هویت و تمامیت ایران توسط همه ایرانیان از هر قشر و سلك و قوم و قبیله و مشربی.

و سینما شهر قصه اگر توانسته باشد با تمام هم و غم و تلاش خود حتی فقط یک گام به سمت این نقطه بیاورد و در این بازیابی، هم از طنز و کمدی بهره می‌برد و هم به ملیت نقب می‌زند و هم تاریخ روایت می‌کند و نیز برادرار، کار ارجمندی کرده است؛ ارجمند و ماندگار.